

انتخابات در کشورهای پسامنازه و درس‌هایی برای افغانستان

سیدمهدی منادی^۱

چکیده

کشورهای پسامنازه، با گذر از شرایط سخت منازعه احتیاج به ثبات و صلح دارند. اما صلح به صورت خودکار زمانی که سلاح‌ها از فیر ایستادند و یا یک توافق‌نامه به امضا رسید، باز نمی‌گردد. بلکه این کشورها به برگزاری انتخابات برای ایجاد صلح ضرورت دارند. انتخابات در کشورهای پسامنازه یکی از نقاط عطف میان ثبات و ناامنی محسوب می‌گردد. در این گونه شرایط انتخابات دارای ویژگی‌ها و عناصر خاصی است که بر اساس شرایط خاص هر کشور، تخطی از آن‌ها می‌تواند، زمینه بی‌ثباتی را فراهم سازد. اگر چه شرایط خاص در کشورهای متعدد پسامنازه، فرایندها را کمی متفاوت می‌سازد، اما به صورت عموم این کشورها، درس‌هایی را برای دیگر کشورهای پسامنازه دارند. افغانستان نیز از جمله کشورهای پسامنازه است و نیازمند برگزاری انتخابات شفاف و سالم است، بنابراین استفاده از تجارب دیگر کشورها در برگزاری انتخابات موفق، می‌تواند به ادبیات مطالعات انتخاباتی در افغانستان بیفزاید. از این رو در این مقاله، به بررسی ادبیات انتخابات در کشورهای پسامنازه و تجربه کشورهای عراق، سریلانکا و سیرالئون که دارای مشابهت‌های فراوان از لحاظ بافت اجتماعی با افغانستان هستند، پرداخته می‌شود. بر اساس تجربیات این کشورها، در پایان سناریوهای احتمالی و درس‌هایی برای افغانستان ارائه خواهد شد.

کلید واژه‌ها: پسامنازه، انتخابات، نظام انتخاباتی.

مقدمه

کشورهای رو به توسعه و پسمنازعه مانند افغانستان، برای بقای‌شان یا با انتخاب مصممانه و تداوم راه دموکراسی به پیشرفت می‌رسند و یا این که در نتیجه بی‌توجهی به اصول دموکراسی دچار بحران مشروعیت و آشوب و اغتشاش می‌گردند. افغانستان از جمله کشورهای رو به توسعه و پسمنازعه به‌شمار می‌رود. غالباً کشورهای رو به توسعه و پسمنازعه مشکلات مشابهی دارند. پایان‌منزعه و جنگ داخلی فرصت مغتنمی برای بازسازی جامعه، سیاست، اقتصاد و تدوین و به اجرا درآوردن اصلاحات است.

گذار از وضعیت منازعه به یک نظام پایدار و مورد قبول همه، مستلزم تدابیر اساسی سیاسی است. انتخابات همگانی به مثابه یکی از مکانیزم‌های دموکراتیک از جمله تدابیری است که می‌تواند زمینه ثبات را در شرایط پس از منازعه به‌همراه آورد. انتخابات به یک فضای آزاد، منصفانه و با امکانات برابر انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان است که می‌تواند سرنوشت مطلوب جامعه را رقم زند. اما در صورتی که انتخابات به‌صورت درست و شفاف برگزار نگردد، هویت‌های کوچک‌تر جماعتی دوباره جامعه را به‌سوی نفاق و آشوب می‌کشانند. ما در کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین نمونه‌هایی از این تداوم و بحران را داریم. بسیاری از کشورهای امریکای لاتین که تجربه رژیم‌های دیکتاتوری نظامی را پشت‌سر گذرانده‌اند، با آن که با مشکلات روزمره جدیدی روبه‌رو می‌باشند، دیگر به منازعات خشونت‌بار داخلی و دشمنی با همسایگان‌شان پایان داده‌اند. یکی از عناصر مهم در پایان یافتن این منازعات خشونت‌بار، برگزاری انتخابات سالم بوده‌است. بسیاری از کشورهای امریکای لاتین که تجربه رژیم‌های دیکتاتوری نظامی را پشت‌سر گذرانده‌اند، با آن که با مشکلات روزمره جدیدی روبه‌رو می‌باشند، اما به منازعات خشونت‌بار داخلی و دشمنی با همسایگان‌شان پایان داده‌اند و به تداوم مشروعیت دموکراتیک و ایجاد اتحادیه‌های منطقه‌یی می‌کوشند. این روند قطع نظر از استثنائاتی که دارد، در حال گسترش است.

با این پیش‌فرض که کشورهای رو به توسعه و پسمنازعه تقریباً مشکلات مشابهی را در عرصه انتخابات دارند. بررسی تجربه دیگر کشورهای پسمنازعه و بررسی شکل‌گیری صلح، براساس مکانیزم انتخابات می‌تواند برای انتخابات برای افغانستان درس‌های مناسبی به‌همراه داشته باشد. سه کشور عراق، سریلانکا و سیرالئون از میان کشورهای پسمنازعه با توجه به بافت اجتماعی‌شان به وضعیت افغانستان مشابهت‌های زیادی دارد. از این‌رو در این تحقیق با طرح سؤال چگونگی انتخابات در کشورهای پسمنازعه و درس‌هایی برای افغانستان، به وضعیت انتخابات در این سه کشور پرداخته می‌شود. در بررسی انتخابات در کشورهای پسمنازعه؛ با دو متغیر روبه‌رو هستیم. اول، متغیر مستقل «کشورهای پسمنازعه» است که در شکل‌گیری انتخابات به‌صورت بنیادی تأثیرگذار است. دوم، متغیر وابسته «انتخابات» است که متأثر از شرایط خاص پسمنازعه شکل گرفته‌است. با توجه به این که انتخابات به‌مثابه متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد، لازم است که در ابتدا مفهوم

انتخابات به عنوان یکی از عناصر مهم در گذار و بهبود شرایط، مورد بررسی قرار گیرد و در پی آن مفهوم پسامنازه مورد بررسی قرار گیرد. در بخش سوم به انتخابات در کشورهای یادشده اشاره خواهد شد. در نهایت به سناریوهای احتمالی و درس‌هایی برای انتخابات افغانستان پرداخته خواهد شد.

۱. مفاهیم

انتخابات در کشورهایی با دموکراسی‌های در حال ظهور و پس از جنگ، پتانسیل عمیقی برای بازگشت به درگیری‌های خشونت‌آمیز و تضعیف فرایندهای تثبیت‌شده و بی‌اعتبار ساختن دموکراسی دارد. انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال ۲۰۱۴ یکی از نمونه‌هایی است که نه تنها یک ابزار مشارکت دموکراتیک محسوب می‌گردد، بلکه یک رقابت شدید برای دسترسی به رهبری، قدرت و منابع است.

۱-۱. مفهوم انتخابات در کشورهای پسامنازه

واژه «انتخابات» از ریشه عربی فعل «نخب» به معنای برگزیدن و اختیار کردن است (عمید، ۱۳۸۵: ۲۳۶) و معادل اروپایی آن یعنی «Election» نیز به فعل لاتین «Eligeve» به معنای جدا کردن، سوا کردن و برگزیدن باز می‌گردد. این واژه در فرایندهای تحولات مفاهیم تغییر و تحولات معنایی وسیعی پیدا کرده است ولی در کاربرد رایج و عام آن به معنای روش یا شیوه‌ای است برای برگزیدن تعداد معینی از افراد از میان شمار کثیری از کسانی که برای تصدی یک منصب یا مقام خود را نامزد کرده‌اند و یا به «جریان رسمی انتخاب اشخاص برای احراز مقام یا منصب و مسئولیتی در جامعه، از طریق آرای عمومی» گفته می‌شود (بخشی و راد، ۱۳۸۳: ۲۰۹).

انتخابات یکی از اجزای اساسی فرایند دموکراتیک است که مردم:

۱. رهبران خویش را با هدف تعیین منافع خویش در حوزه عمومی انتخاب و یا جایگزین می‌کنند.

۲. انتخاب خویش را در یک فرایند بیان می‌کنند.

انتخابات مجموعه‌یی از اقدامات و مکانیزم‌هایی است که در نظر دارد تا:

۱. از میان کاندیداهای متعدد در سطح ملی و محلی فرد خاصی را انتخاب نمایند.

۲. در یک فرایند سیاست خاصی را تعیین نمایند (ECS, 2011: 5).

در سطح ملی، برگزاری انتخابات دو هدف دارد. هدف اول، عبارت است از انتخاب رئیس دولت یا فردی که در رأس قوه مجریه قرار می‌گیرد و به تبع آن انتخاب سیاست‌هایی که دولت دنبال خواهد کرد. هدف دوم، انتخاب نمایندگان مجلس است که وظیفه قانون‌گذاری، تعیین

مالیات‌ها و نظارت بر عمل کرد دولت را از سوی مردم بر عهده دارند. به‌طور معمول، از انتخابات در کشورهای پسمنازعه انتظار می‌رود که به‌صورت هم‌زمان نقش مهمی در پایان‌دادن به جنگ‌های داخلی ایفا نماید و در کنار آن گروه‌های نظامی را تبدیل به احزاب سیاسی صلح‌جو نماید. هم‌چنین انتظار می‌رود تا اعضای پارلمان و دیگر نمایندگان مجالس رسمی را انتخاب نماید، دولت جدید را تشکیل داده و به نظام سیاسی جدید مشروعیت ببخشد. براساس این دلایل انتخابات در کشورهای پسمنازعه به‌صورت وسیع، بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند اتمام جنگ و ملت‌سازی محسوب می‌گردد.

با این حال نتایج انتخابات در کشورهای مختلف پسمنازعه متفاوت است. در برخی از موارد مانند نامیبیا در سال ۱۹۸۹، السالوادور در سال ۱۹۹۴، موازیبیک در سال ۱۹۹۴، به‌صورت روشن نقش شفاف در پایان‌دادن جنگ و تحول بازی نمود. اما در برخی دیگر از این کشورها، نظیر انتخابات نافرجام انگولا در سال ۱۹۹۲ و یا لیبیا در سال ۱۹۹۷ مشکلات بیشتری در جوامع آن‌ها ایجاد نمود. در کشورهای کوزوو و تیمور شرقی جدول زمانی انتخابات نقش سازنده‌ای در توسعه سیاسی این کشور ایفا نمود. انتخابات ۲۰۰۵ لیبیا پایان دومین جنگ از جنگ‌های داخلی این کشور را رقم زد و در نتیجه آن آفریقا در یک فرایند دموکراتیک اولین رئیس دولت زن را انتخاب نمود. اظهار نظر در مورد انتخابات افغانستان و عراق هنوز زود است، اگر چه انتخابات توانسته‌است سطحی از آرامش را در این کشورها به ارمغان آورد، اما هنوز نتوانسته‌است خصومت‌ها را در عراق پایان بخشد. در عراق احتمال آغاز شدن اختلافات و خشونت‌ها در انتخابات بسیار زیاد است (Reilly, ۲۰۱۰: ۳). در اواخر سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ در سودان، برون‌دی، گینه‌بیسائو نیز انتخابات دشواری برگزار شد. مشکل‌تر از آن در نیمه دوم سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ در رواندا، جمهوری آفریقای مرکزی، چاد، ماداگاسکار، هائیتی و ساحل عاج، نیجریه، زیمباوئه برگزار شد. همه این انتخابات نقطه عطفی میان جنگ و صلح بوده‌است (EISA, 2010).

۲-۱. معیارهای جهانی انتخابات در کشورهای پسمنازعه

اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) که توسط تمامی کشورهای عضو سازمان ملل متحد پذیرفته شده‌است، بر حق جهانی به انتخابات واقعی تأکید می‌کند. ماده ۲۱ اعلامیه حقوق بشر جهانی نیز تصریح می‌کند که: هر کس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیم و یا از طریق نمایندگان نقش داشته‌باشد. هم‌چنین در این ماده از انتخابات آزاد به‌مثابه تنها راه تأسیس دولت مقتدر یاد می‌کند و اراده مردم را مهم‌ترین بنیان اقتدار دولت می‌داند. لازم است تا این اراده در انتخابات سالم و دوره‌ای که توسط رأی مخفی و یا روش‌های رأی‌گیری آزاد به حقوق خود دست یابد.

انتخابات به‌مثابه مکانیزمی که ارادهٔ افراد را به پست‌ها و چوکی‌های دولتی مبدل می‌سازد، دارای معیارهای متکثری است که بر اساس آن محققین اقدام به تبیین انتخابات در کشورهای مختلف می‌نمایند. در میان معیارها و اصول رایج در تبیین انتخابات جامعهٔ آفریقای شرقی و هم‌پیمانان آن‌ها اقدام به تعیین اصول مشترک برای تحقق انتخابات سالم، دموکراسی، حاکمیت قانون و حکومت‌داری خوب که در توسعهٔ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در کشورهای خویش نمودند. آن‌ها اصولی را در بررسی، نظارت و ارزیابی انتخابات بر اساس اعلامیهٔ اتحادیه آفریقا در مورد اصول حاکم بر انتخابات دموکراتیک، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۹۶، اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر و کنوانسیون سازمان ملل متحده در مورد رفع همهٔ اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۸۱) به‌صورت ذیل تعیین نموده‌اند:

۱. وجود آزادی برای اظهار خواسته‌های مردم؛
۲. انتخابات واقعی؛
۳. انتخابات دوره‌ای؛
۴. حق رأی همگانی؛
۵. حق رأی برابر؛
۶. حق شرکت در امور عمومی؛
۷. حق دادن رأی؛
۸. حق انتخاب شدن؛
۹. مخفی بودن رأی؛
۱۰. حق رجوع موثر به (قطع‌نامه‌های منصفانه، بی‌طرفی در صورت بروز اختلاف انتخاباتی) (4-5-2011: EAS).

مطالعات انتخابات در کشورهای پسمانزعه از پیچیدگی خاصی برخوردار است. گوناگونی و تکثر در اشکال و سیستم‌های انتخاباتی در کشورهای پسمانزعه، انتخاب‌الگو و معیار مشخصی که با وضعیت هر کشور مناسب باشد و از سوی دیگر کشورهای مورد نظر در این نگارش را نیز تحت پوشش قرار دهد را کمی مشکل می‌سازد. بر اساس گزارشی که در مورد درس‌های آموخته‌شده از انتخابات در کشورهای لیبریا، سیرالئون، جمهوری دموکراتیک کنگو و کوزوو صورت گرفته است؛ پنج مؤلفهٔ کلیدی در برگزاری انتخابات موفقیت‌آمیز معرفی می‌کند. وینریچ^۲ در این گزارش ثبت‌نام رأی‌دهندگان؛ انتخاب سیستم انتخاباتی، کمیسیون انتخابات ملی، سیستم شکایت‌های انتخاباتی و تدابیر اعتمادسازی را به عنوان عناصر کلیدی در انتخابات کشورهای پسمانزعه تعیین می‌کند. به تعبیر ایشان، در صورتی که این عناصر به‌صورت درست در کشورهای

پسامنازعه تطبیق گردد، انتخابات موفقیت آمیزی در این کشورها برگزار خواهد شد (KÜ, 2010:4, NE). این عناصر به صورت مختصر در سطور ذیل تبیین می‌گردند.

۱. ثبت نام رأی دهندگان:

ثبت نام رأی دهندگان یکی از مکانیزم‌هایی است که جامعه و رسانه‌های جهانی اهمیت فراوانی به آن می‌دهند. ثبت نام رأی دهندگان فرصت‌هایی را ارائه می‌کند که بر اساس آن می‌توان نتیجه انتخابات را مدیریت نماییم. در پرتو موضوع روشن است زمانی که تعداد رأی دهندگان مشخص باشد، به تعدادی که رأی به نفع یک کاندید تأیید می‌شود، به همان میزان از آرای دیگر کاندیدان کاهش می‌یابد. بر این اساس تا حدی امکان تقلب کاهش می‌یابد. ثبت نام رأی دهندگان در ساحل عاج و سودان در سال ۲۰۰۸ یکی از مسائل بحث برانگیز بود. هم‌چنین در رفراندوم نامیبیا در سال ۱۹۹۸ نام بسیاری از کسانی که به صورت رسمی در خارج از کشور بودند، در لیست رأی دهنده نیز وجود داشته است.

یکی دیگر از فواید ثبت نام رأی دهندگان در کشورهای پسامنازعه؛ نظیر کشورهای آفریقایی و هم‌چنین تعریف شهروندی و ملیت است. منازعات داخلی باعث گردیده است که بخش عظیمی از مردم این کشورها به دیگر کشورها مهاجر شوند و دولت تازه تأسیس توانمندی توزیع اسناد هویت به آن‌ها را نداشته است. بر این اساس ثبت نام رأی دهندگان بر اساس مکانیزم ساده‌تر زمینه اشتراک همگان را در انتخابات فراهم می‌سازد.

۲. انتخاب سیستم انتخاباتی:

طراحی قانون انتخاباتی مناسب برای کاهش حساسیت‌های تقسیم‌بندی یکی از عناصر انتخابات صلح‌آمیز است. هر سیستم انتخاباتی جوانب مثبت و منفی خود را دارد. سیستم انتخاباتی بی‌مناسب است که مبتنی بر شرایط محلی و ذهنیت افراد آن‌جا تدوین شده باشد. هیچ سیستم انتخاباتی مشخصی وجود ندارد که در تمام مناطق آفریقا و یا دیگر مناطق جهان نتیجه مثبت داشته باشد. سیستم‌های انتخاباتی بیشتر مبتنی بر بینش عمومی مردم تنظیم می‌گردد.

نظام انتخاباتی اکثریت ساده یکی از انواع نظام‌های انتخاباتی است. در مورد این نوع نظام، اصطلاح معروفی وجود دارد که «برنده همه چیز را به دست می‌آورد» و یا «نفر اول از پل سست می‌گذرد». این نوع سیستم‌های انتخاباتی برای کشورهای چندقومی اغلب مشکل‌ساز بوده است. بر اساس این سیستم آن‌ها به آسانی دچار اختلافات قومی و مذهبی و رقابت‌هایی با حاصل جمع صفر می‌شوند.

در سوی دیگر، سیستمی تحت عنوان نمایندگی تناسبی است که در قاره اروپا شایع است. پیامدهای این سیستمی روشن است و همه گروه‌های اصلی و رهبران در پارلمان و دیگر نهادها پس از انتخابات سهمی دارند. بر اساس آن خطر کنار گذاشته شدن گروه و یا

رهبری در آن بسیار پایین است. با این حال چالشی که در این رابطه وجود دارد، جوامعی که جمعیت روستایی آن‌ها زیاد است، با آن موافقت نمی‌نمایند. چرا که شناسایی نماینده و برقراری ارتباط با آن برای آن‌ها مشکل است.

سومین سیستم، ترکیبی از دو سیستم اکثریت ساده و سیستم نمایندگی تناسبی است. بر اساس این سیستم، تعدادی از کرسی‌های پارلمان به احزاب و یا اقوام و بخشی دیگر به کاندیدان مستقل اختصاص داده می‌شود. این نوع سیستم چالش‌ها و نقاط ضعف هر دو سیستم را کاهش می‌دهد.

۳. کمیسیون‌های انتخابات:

برای اطمینان از شفافیت انتخابات، یک کمیسیون انتخابات باید همیشه وجود داشته باشد و اطلاعات لازم را به طرف‌های رقیب ارائه نماید. مکانیزم دیگری که باعث شفافیت و کاهش تنش در انتخابات می‌شود، نظارت است. تأسیس کمیسیون نظارت در صورت شکل‌گیری مشکلات و اعتراضات بعد از انتخابات، این نهاد می‌تواند به بررسی مشکلات موجود بپردازد.

کمیسیون انتخابات باید بی‌طرف بوده و نمایندگان از تمام نظامیان سابق و غیرنظامیان داشته باشد. در صورتی که این کمیسیون توانمند باشد، زمینه افزایش شفافیت را در میان رقابت‌کننده سیاسی و ناظرین به‌همراه می‌آورد. کمیسیون نظارت و شکایات لازم است شکایات متعددی را دریافت نماید و بر اساس زمان‌بندی دقیق به آن‌ها رسیدگی نماید. در صورتی که مشکل بسیار جدی باشد و کمیسیون شکایات نتواند به آن رسیدگی نماید، لازم است تا یک نهاد مشخص دیگر برای حل این موضوع تعیین گردد و رقابت‌کنندگان باید از شیوه کار این نهاد آگاه باشند.

۳-۱. مفهوم کشورهای پسمنازعه

پس از پایان جنگ جهانی دوم، خشونت‌ها و جنگ‌های داخلی در هر گوشه‌ی از جهان روزانه جان ۹۱۳ تن را گرفته است. در کنار این، آمار بی‌جاشدگان داخلی، ضعیف شدن وضعیت رفاهی مردم و گسترش بیماری‌ها در میان مردم نیز وجود داشته است (Edward and Nooruddin, 2012: 558).

بر این اساس، مطالعات ادبیات ثبات‌سازی در کشورهای پسمنازعه اهمیت فراوانی یافته است. همان‌طور که مفهوم پسمنازعه نشان می‌دهد، اشاره به دوره‌ای بعد از پایان منازعه در یک کشور دارد. اما با وجودی که این مفهوم بسیار آشکار به نظر می‌رسد، با دو مشکل روبه‌روست. اول، تعیین آغاز دوره پسمنازعه است. اغلب غیرممکن است که زمان مشخصی تعیین نماییم که یک منازعه احتمالاً به پایان رسیده است. حتی پس از امضای موافقت‌نامه صلح میان طرف‌های متخاصم، هنوز احتمال ادامه خشونت و درگیری وجود دارد. ما دو معیار برای تعیین آغاز دوره پسمنازعه داریم.

اول زمانی که نشان‌هایی از پیروزی یکی از طرف‌های درگیر نمایان می‌شود. این موضوع ممکن است در نتیجه سقوط پایتخت، جایگاه قدرت سیاسی و یا در پی پایان یافتن یک جنگ طولانی مدت به وقوع بپیوندد. به‌طور مثال جنگ طولانی میان نیروهای نظامی دولت اتیوپی تحت رهبری کلونیل مینجیسو و نیروهای شورشی تحت رهبری میلاس زیناوی زمانی به پایان رسید که ادیس آبابا در ۲۹ می ۱۹۹۱ سقوط کرد.

معیار دوم زمانی استفاده می‌شود که جنگ به صورت رسمی در تاریخ مشخص در پی امضای توافق‌نامه مشروح میان گروه‌های درگیر پایان یابد. حتی اگر چنین توافق‌نامه‌ای لزوماً جنگ را خاتمه نبخشد، اما به صورت چشم‌گیری خشونت را کاهش می‌دهد. از این رو، زمان امضای توافق‌نامه آتش‌بس، پایان منازعه و آغاز دوره پسا منازعه است. به‌طور مثال، جنگ اخیر در بروندی به صورت رسمی زمانی که دولت توافق‌نامه شفاف آتش‌بس را با گروه اصلی شوروی در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۳ امضا کرد به پایان رسید. در صورتی که بعد از آن برخی از خشونت‌های پراکنده به وسیله برخی از گروه‌های شورشی کوچک حتی تا میانه سال ۲۰۰۸ ادامه پیدا نمود. بر این اساس بروندی پس از ۲۰۰۳ در دوران پسا منازعه قرار گرفت.

زمانی که آغاز دوره پسا منازعه تعریف گردید، سؤال بعدی این است که چگونه پایان آن را تعیین نماییم. اگرچه دوره پسا منازعه در کشورهای مختلف متفاوت بوده است، اما با این حال ۱۰ سال پس از پایان منازعه را دوره پسا منازعه یاد می‌کنند (Nooruddin, 2008: 4).

پیتر والینستین (۲۰۰۲) سه نوع منازعه را شناسایی می‌کند. این سه نوع منازعه عبارت‌اند از بین‌دولتی؛ داخلی و منازعات دولت‌سازی است. بین‌دولتی، از جمله منازعات میان ملیت‌های دولت‌هاست و یا خشونت با معیار دولت است. مثال‌های منازعات داخلی و دولت‌سازی شامل جنگ‌های قومی و داخلی، ضد استعماری، جانشینی، جنبش‌های استقلال‌خواهی، منازعات ارضی و جنگ بر سر کنترل دولت است (MILLER, 2005: 22).

برخی از منازعات در تمامی کشور گسترده شده نظیر رواندا و برخی دیگر از کشورها نظیر سودان در بخش‌های خاصی از کشور تمرکز یافته است. آن‌ها اغلب چند منبع شکل‌گیری دارند. مسائل قومی، نابرابری اقتصادی، محرومیت بخشی از جمعیت، بی‌عدالتی اجتماعی، رقابت برای دستیابی به منابع، فقر، نبود دموکراسی، مسائل عقیدتی و مذهبی نظیر نیجریه و سودان و تنش‌های سیاسی از جمله منابع منازعه بوده است.

منازعه به صورت عموم به سه بخش، تفکیک شده است:

۱. منازعات مسلحانه کوچک: حداقل ۲۵ جنگ مرتبط کمتر از ۱۰۰۰ کشته در تمام طول دوره جنگ داشته باشد.
۲. منازعات مسلحانه متوسط: حداقل ۲۵ جنگ که هر سال کمتر از ۱۰۰۰ کشته داشته باشد.
۳. جنگ: حداقل ۱۰۰ جنگ در هر سال وجود داشته باشد (Reilly, 2010: 4).

در کشورهای پسمنازعه دو متغیر و یا دو هدف در راستای برگزاری انتخابات پیگیری می‌شود. هدف اول، پایان دادن به جنگ و جلوگیری از شروع منازعه و هدف دوم تحکیم دموکراسی است (Reilly:159).

دوران پس از جنگ، اگرچه جنگی وجود ندارد اما لزوماً به معنای وجود صلح واقعی نیست. پایان جنگ فرصت را برای دستیابی به صلح پایدار فراهم می‌کند، اما لازم است تا نهادهای مناسب که قادر به تضمین امنیت پایدار برای کل جمعیت است، تأسیس گردد. جنگ توسعه یافته، منجر به از دست رفتن جان انسان‌ها و تخریب فیزیکی و فروپاشی سیستم‌ها و مؤسسات یک جامعه پایدار می‌شود و این‌ها در شرایط پس از منازعه باید احیا گردند. کریشنا کوما^۳ در این رابطه مطرح می‌کند که: بازسازی زیرساخت‌های نهادی که در طول جنگ از بین رفته‌اند مهم هستند، حتی مهم‌تر از زیرساخت‌های فیزیکی. این حوزه‌ای است که تا حد زیادی توسط جامعه بین‌المللی در گذشته نادیده گرفته شده است. اگر چه در طول این ده سال گذشته به این موضوع توجه زیاد شده است، اما هنوز کافی نبوده است (Brahimi,2007:3).

۲. نقش سازمان ملل متحد در انتخابات در کشورهای پسمنازعه

برای تعادل بخشیدن به جهت‌های درگیر در جنگ‌های داخلی، بهتر است که از افراد و گروه‌های بی‌طرف نیز در پروسه انتخابات استفاده شود. افزایش بازیگران، آگاهی و نقش گروه‌های غیر درگیر در جامعه را افزایش می‌دهد. اگر چه معرفی گروه‌های غیرنظامی مشکل است و بیشتر به عنوان یک خارجی در یک جامعه پنداشته می‌شوند. این موضوعی بود که در جریان انتخابات در جنوب سودان رخ داده بود. با این حال نقش دادن به گروه‌های بی‌طرف در انتخابات، تنش‌های موجود در میان احزاب سیاسی را کاهش می‌دهد. با این حال در پی سقوط دیوار برلین دموکراسی به عنوان یک عنصر اساسی در بازسازی کشورهای پس از جنگ که درگیری‌های فراوانی را تجربه نموده است از سوی سازمان ملل متحد و جامعه بین‌المللی شده است. این نهادها سعی دارند تا از جایگزین نمودن رأی به جای گلوله (مرمی) انتخابات را به عنوان مؤلفه استاندارد در ایجاد صلح معاصر تثبیت نمایند (Reilly:31).

در سال ۱۹۹۷ قطع‌نامه ۵۲/۱۲۹ اشاره به بازنگری نقش و ساختار حمایتی سازمان ملل در انتخابات کشورهای تازه دموکراتیک دارد. سازمان ملل لازم است تا ظرفیت‌های ملی این کشورها را از طریق تقویت نهادهای انتخاباتی و آموزش‌های مدنی ارتقا دهد. قطع‌نامه ۵۴/۱۷۳ پذیرفته شده در سال ۱۹۹۹ علی‌رغم احتیاط برخی از کشورها، تأکید بر ادامه فراهم‌سازی حمایت‌های انتخاباتی و داشتن نقش ریشه‌ای در حقوق بشر مبتنی بر ماده ۲۱ منشور دارد (Goodwin,1994:15). دبیر کل سازمان ملل

متحد در گزارش سال ۲۰۰۳ در مورد تقویت نقش سازمان ملل به صورت ذیل اشاره می کند: تجربه های مختلف نشان داده است که اغلب پیامد محرومیت، خشونت بوده است. رقابت آزاد و عادلانه در میان گروه های سیاسی مختلف از طریق نهادهای مؤثر اختلافات را به صورت مسالمت آمیز حل می کند و در نتیجه خشونت را از بین می برد (UN doc. 58/212,2003: 4).

بر اساس مطالب فوق می توان اهداف سازمان ملل متحد را در مورد حمایت از انتخابات در کشورهای پسمنازعه به صورت ذیل عنوان داشت:

الف: حمایت از دولت های عضو برای برگزاری انتخابات معتبر و مشروع مطابق با معیارهای شناخته شده جهانی؛

ب: همکاری در ایجاد ظرفیت پایدار نهادی در کشورهای پسمنازعه برای مدیریت انتخابات دموکراتیک واقعی و دوره یی توام با اعتماد کامل در میان احزاب و گروه های انتخاباتی (UN doc. A/56/344, 2001:3).

۳. تجربه انتخابات در کشورهای پسمنازعه دیگر

اغلب انتخابات در کشورهای پسمنازعه بیشتر تحت شرایط بسیار سخت مدیریت شده است. اگرچه این شرایط در جوامع مختلف متفاوت است و بیشتر وابسته به ماهیت و مدت منازعه، میزان توسعه یافتگی سیاسی و اقتصادی در گذشته و میزان خرابی در دوران جنگ است. به صورت عموم کشورهای پسمنازعه از لحاظ سیاسی شکننده هستند و اغلب یک دولت ضعیف مسئول مدیریت انتخابات در این کشورها می گردد. از لحاظ اقتصادی این کشورها از بی کاری وسیع و کمبود نیازمندی های اولیه رنج می برد. برخی از این کشورها با کمبود مواد غذایی دست و پنجه نرم می کند و زراعت و تولیدات صنعتی آنها کاملاً ضعیف و ناکارآمد است. زیرساخت های حمل و نقل و ارتباطات اغلب در دوران جنگ تخریب شده است و عبور و مورد مردم، کالاها و اطلاعات با دشواری همراه است.

جوامع پسمنازعه هم چنین فاقد زیربنای نهادی لازم برای انتخابات دموکراتیک هستند. این کشورها اغلب به علت جنگ با وضعیت اجتماعی بی اعتمادی، خصومت و ناامیدی همراه است که موجب می گردد تا گفتمان و رقابت های سیاسی کمتر دموکراتیک باشد. در حقیقت انتخابات بیشتر انکار جنگ است تا یک انتخاب در میان گزینه های سیاسی، بر این اساس دولت منتخب الزاماً متعهد به برنامه خاصی نیست و یا این که اغلب برنامه ای ندارد (Larry and Krishna, 1998:18). بر این اساس، سه نمونه انتخابات در کشورهای پسمنازعه را به صورت ذیل می توان عنوان داشت:

۱-۳. عراق

عراق کشوری است در خاورمیانه و در همسایگی کویت، عربستان، اردن، سوریه، ترکیه و ایران

قرار دارد و پایتخت این کشور، بغداد است. از منظر تقسیم‌بندی‌های دولت-ملت‌سازی در دیدگاه باری بوزان، می‌توان کشور و یا دولتی چندملیتی و متشکل از گروه‌های قومی-فرقه‌یی (عرب شیعه، عرب سنی، کردها) مختلف تلقی کرد. در این کشور قبل از شکل‌گیری دولت، ملتی یک‌پارچه و منسجم در مدت‌زمان تاریخی طولانی شکل نگرفت که سازمانی سیاسی به‌نام دولت را برای اداره‌ی مطلوب‌تر امور خود تشکیل دهد. برعکس ابتدا دولت یا کشوری بر اساس اهداف و منافع قدرت‌های جهانی پس از جنگ جهانی اول تشکیل شد و سپس حکومت‌ها یا رژیم‌های سیاسی مختلف الگوهای دولت-ملت‌سازی مختلفی را دنبال کردند (اسدی، ۱۳۹۱: ۱۴۵-۱۴۴).

عراق قبل از استقلال تحت قیومیت انگلستان بود. مهم‌ترین ویژگی این دوره وابستگی و عمل‌کرد غیرمستقل، و فقدان نسبی عمل‌کرد ملی مستقل حکومت است. بر این اساس الگوی ثبات‌سازی اولیه در عراق متأثر از دیدگاه، منافع و اهداف خاص انگلستان بوده است. اما با کودتای عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ تا سال ۲۰۰۳ که رژیم بعث سقوط کرد، الگوهای منبعث از فضای پان‌عربیسم جهان عرب در عراق حاکم بوده است. در دوره‌ی جدید الگویی متفاوت از دولت-ملت‌سازی با محوریت فدرالیسم و دموکراسی در عراق دنبال می‌شود (همان، ۱۴۴). عراق پس از ۲۰۰۳، بیشتر با مفهوم پسااقتدارگرایی تفسیر گردیده است. وجود منازعات قومی میان رژیم بعث صدام و گروه‌های قومی شیعه و کرد، ضعف نهادهای مدنی و طبقه‌متوسط در شرایط اقتدارگرایی رژیم بعث، برگزاری انتخابات و تشکیل نهادهای دموکراتیک را با چالش‌های جدی روبه‌رو ساخته است. اغلب چنین شرایطی با وضعیت پسمانزعه مشابه بوده است. بر این اساس نحوه و مکانیزم‌های برگزاری انتخابات در عراق و کشورهای پسمانزعه دیگر، تقریباً به صورت مشابه صورت پذیرفته است. از این رو عراق به‌عنوان یکی از موردهای مطالعاتی در این نگارش در نظر گرفته شده است.

فرایند ثبات‌سازی در عراق پس از ۲۰۰۳ عمدتاً با شیوه‌ها و رهیافت‌های دموکراتیک با فراز و فرودهای پیچیده‌ی همراه بوده است. بخش اعظم این چالش‌ها بیشتر به فقدان تجربه‌ی پیشینی در خصوص کار جمعی و ایجاد حکومتی دموکراتیک و شکاف‌های قومی-فرقه‌یی و چندپارگی جامعه‌ی عراق مرتبط است. مهم‌ترین مراحل این روند از زمان ایجاد شورای حکومتی انتقالی شامل تشکیل دولت موقت، تدوین قانون اساسی موقت، برگزاری انتخابات سراسری برای تشکیل مجمع ملی عراق، تشکیل دولت انتقالی، تدوین و همه‌پرسی قانون اساسی دایم عراق، برگزاری انتخابات سراسری برای تشکیل مجلس نمایندگان و در نهایت، ایجاد دولت دایم به نخست‌وزیری نوری مالکی بود (همان، ۲۰۱-۲۰۲).

شورای حکومت انتقالی متشکل از ۲۵ نفر از شخصیت‌های سیاسی عراق تشکیل شد. در گام دوم، مجمع عمومی عراق با ۱۰۰ عضو با ریاست «فواد معصوم» تشکیل شد که «ایاد علاوی» به نخست‌وزیری رسید. در این مدت قانون اساسی موقت با ۴۶ ماده توسط کمیته‌یی متشکل از نمایندگان احزاب و گروه‌های سیاسی تدوین شد. این قانون اساسی تا انتخابات سال ۲۰۰۵ معتبر

بود. این قانون عراق را کشوری پارلمانی، تکثرگرا و فدرال برشمرد. در ۳۱ جنوری ۲۰۰۵ انتخابات سراسری در عراق برای تشکیل مجمع ملی عراق برگزار شد. در این انتخابات ائتلاف عراق یک‌پارچه ۱۴۰ کرسی از ۲۷۵ کرسی را به‌دست آورد. کردها نیز ۷۵ کرسی به‌دست آوردند که با شیعیان وارد اتحاد شدند. سنی‌های عراق که انتخابات را تحریم نموده بودند، تنها ۱۷ کرسی را به‌دست آوردند. بر اساس این انتخابات «جلال طالبانی» از اتحادیه میهنی کردستان عراق به عنوان رئیس‌جمهور و «ابراهیم جعفری» از حزب الدعوه به عنوان نخست‌وزیر دولت انتقالی عراق انتخاب شدند. بر این اساس انتخابات ملی سال ۲۰۱۰ و شوراهای محلی سال ۲۰۱۳ نیز برگزار شد. در انتخابات مجلس نمایندگان سال ۲۰۱۰ ائتلاف العراقیه به رهبری «ایاد علاوی» که بیشتر از اعراب سکولار شیعه و سنی تشکیل می‌شد با ۹۱ کرسی در جایگاه نخست قرار گرفت. ائتلاف دولت قانون به رهبری «نوری مالکی» نخست‌وزیر عراق با ۸۹ کرسی در جایگاه دوم قرار گرفت. ائتلاف ملی عراق که از سازمان‌های مهم شیعیان اسلام‌گرای عراق هم‌چون مجلس اعلائی اسلامی عراق و جریان صدر تشکیل می‌شد با ۷۰ کرسی در جایگاه سوم قرار گرفت و فهرست اتحاد کردستان متشکل از دو حزب اصلی کردهای عراق، حزب دمکرات و اتحادیه میهنی با ۴۳ کرسی در جایگاه چهارم ایستاد. حزب گوران یا تغییر که از تجدیدنظرطلبان کرد انشعاب کرده از اتحادیه میهنی تشکیل می‌شد با ۸ کرسی، جبهه توافق ائتلاف اصلی اعراب سنی عراق با ۶ کرسی، فهرست وحدت عراق به رهبری جواد بولانی وزیر کشور عراق با ۴ کرسی، اتحاد اسلامی کردی با ۴ کرسی و جامعه اسلامی کردی با ۲ کرسی در رده‌های بعدی قرار گرفتند (Katzman, 2010: 2).

فرایند ثبات‌سازی در عراق پس از صدام بیشتر ماهیت دموکراتیک و تکثرگرا داشت. در حالی که اقتدارگرایی و همانندسازی ویژگی اصلی روند ثبات‌سازی در دوره مورد بحث بود. دوره جدید دموکراسی و تکثرگرایی کانون اصلی تحولات عراق به‌شمار می‌رود. حاکمیت حزب بعث، افراد و شخصیت‌های محدود بر کشور که عمدتاً از اعراب سنی بودند، مانع مشارکت اغلب شیعیان و کردها در عرصه قدرت سیاسی شد. اما در دوره جدید شاهد روند معکوس هستیم. با این حال، روند دموکراسی‌سازی و تکثرگرایی نوین نیز با برخی چالش‌ها و موانع جدی روبه‌روست (همان، ۱۹۹).

در عراق بحث‌های فراوانی در مورد نظام نمایندگی تناسبی، اکثریتی ساده و ترکیبی انجام شد. پس از بحث‌های فراوان در این رابطه، نظام انتخاباتی «نمایندگی تناسبی» مورد تصویب قرار گرفت. در این نظام به‌صورت قانونی ۲۵٪ از ۲۷۵ کرسی‌های پارلمان به زنان اختصاص داده شد. دیگر کرسی‌های پارلمان براساس جمعیت به اقوام متعدد در این کشور تقسیم گردیده است. کمیسیون ۸ نفری مستقل انتخابات نیز در اواسط سال ۲۰۰۴ از میان افراد برجسته عراقی، توسط سازمان ملل برای برگزاری انتخابات تعیین گردید. این کمیسیون قانون نمایندگی تناسبی را به همراه طرز العمل آن در انتخابات عراق عملی می‌نماید (Katzman, 2005: 2).

با توجه به این که آمار رأی‌دهندگان در عراق در روز انتخابات ثابت نبوده است، روند ثبت‌نام رأی‌دهندگان نیز برای انتخابات در این کشور وجود دارد. بر اساس آخرین آمارهای انتخاباتی در این کشور، ۱۴۲۷۰۰۰۰ رأی‌دهنده برای انتخابات ثبت‌نام شده‌اند (Katzman:2).

بر اساس عناصر و فرایند انتخابات در عراق، به نظر می‌رسد که انتخابات در عراق فرایند طبیعی خویش را طی می‌کند. اما انتقال قدرت از یک گروه قومی و مذهبی به گروه دیگر، قابل قبول نبوده است. از این رو انتخابات به صورت عموم از مشروعیت برخوردار نمی‌گردد. بنابراین چالش‌های فعلی عراق، بیش از این که از فرایند انتخاباتی متأثر باشد، از توقعات گروه‌های قومی و مذهبی در عراق سرچشمه می‌گیرد. از سوی دیگر کشورهای همسایه در مدیریت تحولات داخلی عراق نقش فعالی دارند که این موضوع زمینه بروز چالش‌های داخلی و ناکارآمدی انتخابات را فراهم ساخته است.

۲-۳. سریلانکا

سریلانکا جزیره‌یی است که در جنوب آسیا، اقیانوس هند و جنوب کشور هند قرار دارد. پایتخت این کشور کلمبو است. سریلانکا از جمله مستعمرات بریتانیا بود و در ۴ فوروری ۱۹۴۸ استقلال خود را به دست آورد. پس از استقلال، درگیری‌های قومی بین تامیل‌ها در شمال و شرق که اکثراً هندو بودند و سینهای‌ها در جنوب که اکثراً بودایی بودند، آغاز گردید. این موضوع مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی در این کشور بوده است. تاریخ سریلانکا در چند دهه اخیر با عملیات‌های گروه آزادی‌خواه بیره‌های تامیل پیوستگی عمیقی پیدا کرده بود. خشونت‌های داخلی در این کشور تیر رسانه‌های منطقه و جهان شده بود. این گروه از جمله نادر گروه‌هایی بود که قابلیت اعمال تهدید از هوا و دریا را داشت و در طول حیات خویش توانست تهدیدات امنیتی بزرگ را متوجه سریلانکا، هند و اقیانوس هند نماید. خشونت‌های موجود در سریلانکا در پایان می سال ۲۰۰۹ به پایان رسید و دولت سریلانکا با استفاده از جنگ و مذاکره توانست ثبات و صلح را برای این کشور به همراه آورد (تیناکون، ۲۰۱۴: ۱۳۷). در واقع فرایند صلح و ثبات‌سازی در سریلانکا، از جمله فرایندهای بسیار مهمی است که می‌تواند در دیگر کشورها نیز مورد استفاده قرار گیرد.

انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی سال ۲۰۱۰ سریلانکا در ۲۳ نوامبر و ۹ فوروری ۲۰۱۰، اولین انتخابات در سطح ملی بعد از پایان جنگ‌های خونین ۳۰ ساله میان سریلانکا و گروه بیره‌های آزادی‌خواه تامیل بود. ضرورت پیدانمودن راه‌حل سیاسی برای اطمینان از صلح پایدار و ایجاد دولت‌داری مناسب از جمله دو مسأله حیاتی بوده که سریلانکا باید در فضای پسمانزعه به دست می‌آورد. برای اولین بار از زمان پایان جنگ مردم در شمال و شرق سریلانکا فرصت استفاده از حق

خویش در تعیین سرنوشت سیاسی خویش را به دست آوردند (Weliamauna, 2010: 8_9). قبل از سال ۲۰۰۰ انتخابات در سریلانکا به صورت اکثریت ساده بود اما در انتخابات سال ۲۰۰۰ سیستم انتخاباتی به صورت نمایندگی تناسبی و رأی ترجیحی برای کاندیدان تعیین گردید. براساس نظام انتخاباتی جدید، زمانی که یک رأی‌دهنده به حزبی رأی می‌داد، در برخی اوقات رأی کافی برای برنده شدن تمام کاندیدان یک حزب وجود نمی‌داشت. در چنین شرایطی، اختلاف و خشونت در میان کاندیدان حزب برای برتری به میان می‌آمد (NDI, 2000: 10). در پی این موضوع، بسیاری از احزاب سیاسی، اعضای پارلمان و دیگر رهبران پیشنهاد نمودند تا سیستم انتخاباتی در این کشور را ترکیبی از رأی قابل انتقال و تناسبی گردد. بیشتر مردم نیز بر این باورند که تطبیق یک نظام انتخاباتی نوین می‌تواند از یک سو مشکلات انتخاباتی و تقاضای افراد مستقل را پاسخ دهد و از سوی دیگر وابستگی نمایندگان حزبی به قانون اساسی در مقایسه با احزاب مربوطه‌شان را افزایش دهند (Ibid). در اپریل سال ۲۰۰۶ پارلمان کمیته‌یی متشکل از ۳۲ عضو از تمامی نمایندگان احزاب را برای بررسی اصلاح سیستم انتخاباتی سریلانکا تعیین نمود. این کمیته در جون ۲۰۰۷ پیشنهاد خود را به صورت ذیل مطرح نمودند که سیستم انتخاباتی متشکل از اکثریت ساده و تناسبی که مختلط یاد می‌گردد، برای انتخابات پارلمانی سریلانکا مناسب‌تر است (A report of Research Department for Representative Democracy, 2013: 13_14). در پی فیصله پارلمان سریلانکا، نظام انتخاباتی از این دوره به بعد به صورت مختلط تعیین گردید.

چگونگی دموکراسی نمایندگی در کشورهای چندقومی و چند مذهبی هم‌چنان برای پالسی‌سازان مشکل بوده است. نظام انتخاباتی در سریلانکا بر اساس شرایط داخلی از اکثریت ساده به تناسبی و در نهایت مدل مختلط را اختیار نمود (Ibid: 20).

فرایند و ساختار انتخاباتی از سال ۲۰۱۰ براساس متمم هفدهم با اصلاحاتی روبه‌رو بود. بر این اساس هرگونه استفاده از امکانات دولتی برای حمایت از کاندید مشخص در انتخابات جرم پنداشته شد. با توجه به این که جابه‌جاشدگان داخلی و خارجی بر اساس جنگ‌های داخلی فراوان بوده است. برای شفافیت میزان رأی‌دهندگان ثبت‌نام گردید و تعداد رأی‌دهندگان در سال ۲۰۰۸ به میزان ۱۴۰۸۸۵۰۰ تثبیت گردید (COMMONWEALTH SECRETARIAT, 2010: 9). بر اساس تجربه انتخابات در سریلانکا، به نظر می‌رسد که دولت باید در مورد عدم استفاده از امکانات دولتی دقت بیشتری نماید. از سوی دیگر به موضوع ثبت‌نام رأی‌دهندگان نیز باید بیشتر توجه نماید. از این طریق تا حدی می‌توان از تقلب جلوگیری نمود.

۳-۳. سیرالئون

یکی از کشورهایی که از لحاظ جامعه‌شناختی به وضعیت افغانستان نزدیک است و از لحاظ

موقعیت در غرب قاره آفریقا قرار دارد، جمهوری سیرالئون^۵ است. پایتخت و بزرگ‌ترین شهر آن فری‌تاون است. سیرالئون ۶ میلیون نفر جمعیت دارد و زبان رسمی آن انگلیسی است. واحد پول این کشور لئون نام دارد. مردم سیرالئون از حدود شانزده گروه قومی تشکیل شده‌اند که هر کدام زبان و آداب خود را دارند. دو قوم بزرگ‌تر و بانفوذتر از میان آن‌ها، قوم تنمه و قوم منده است. بین ۶۹ تا ۷۰ درصد از مردم سیرالئون مسلمان و ۲۰ تا ۳۰ درصد مسیحی هستند. منطقه سیرالئون در آن دوره تبدیل به یکی از مناطق تجارت برده برای اروپاییان شد. امروزه با وجود غنای منابع طبیعی، ۷۰ درصد از مردم سیرالئون زیر خط فقر زندگی می‌کنند (line - Economy, 2012).

سیرالئون در تاریخ ۲۷ اپریل ۱۹۶۱ از زیر نفوذ انگلیسی‌ها خارج شد و به استقلال رسید. این کشور دهه‌های متمادی درگیر جنگ داخلی بوده و سرانجام به کمک نیروهای ناتو و انگلستان در سال ۲۰۰۲ به این جنگ خاتمه داده شد و بیش از ۱۷ هزار سرباز خارجی ده‌ها هزار شورشی مسلح را خلع سلاح کردند. در این جنگ ده‌ها هزار نفر توسط شورشیان کشته شدند و علامت اختصاری این شورشیان بریدن دست یا پای قربانیان خود بود (Lancaster, 2007: 1).

سیرالئون از لحاظ معادن الماس بسیار غنی است. تجارت جواهرات قاچاق در این کشور با عنوان «الماس خون» انجام می‌گیرد که همین موضوع باعث ایجاد تنش‌های مالی و درگیری‌های غیرنظامی شده که دولت تلاش می‌کند تا قاچاق الماس از طریق مرزها را متوقف کند. بر این اساس این کشور بسیار ضعیف بوده و با فقر، فساد و کمبود مدیریت در اقتصاد دست به‌گیریان است. بر اساس آمارهای توسعه انسانی سازمان ملل متحد، سیرالئون در رتبه ۱۷۶ از میان ۱۷۷ کشور قرار دارد (Lancaster, 2007: 2).

تاریخ انتخابات در سیرالئون به صورت مستقیم متأثر از شرایط سیاسی بی‌ثباتی و دهه‌های جنگ داخلی بوده است. انتخابات سال ۱۹۹۶ در بدترین شرایط جنگ داخلی برگزار گردید. انتخابات سال ۲۰۰۲ توسط سازمان ملل متحد شرایط جدید پسمانزعه را به وجود آورد. انتخابات ریاست جمهوری و مجلس در روز ۱۴ ماه می ۲۰۰۲، بر اساس چارچوب ارائه‌شده توسط قانون اساسی سال ۱۹۹۱ برگزار شد. مبتنی بر این چارچوب در قالب سیستم نمایندگی تناسبی احزاب سیاسی و بلوک‌های منطقه‌یی انتخابات در انتخابات ریاست جمهوری، رئیس‌جمهور تیجان کباح با ۷۰٪ رأی به قدرت بازگشت و ارنست کومارا ۲۲٪ رأی به دست آورد. بر این اساس حزب تیجان کباح اکثریت کرسی‌های پارلمان را به دست آورد (Jinadu, 2011: 212).

انتخابات ۲۰۰۷، اولین انتخابات در شرایط صلح‌آمیز بود. چگونگی برگزاری انتخابات و نتیجه این انتخابات، دست‌آورد بزرگی در مدیریت انتخابات محسوب می‌گردد. این انتخابات در اگست سال ۲۰۰۷ مبتنی بر سیستم انتخاباتی گذشته با اشتراک هفت کاندید ریاست جمهوری برگزار شد.

ارنست کومارا، سولومن بیریوا، کارلس مارگی از جمله مهم‌ترین کاندیدان این انتخابات بود. اما هیچ کدام از این کاندیدان نتوانستند بیش از ۵۰٪ از آراء را به خود اختصاص دهند. اما در نهایت ارنست کومارا در ائتلاف با یکی دیگر از کاندیدان توانست ۵۹ کرسی از ۱۱۲ کرسی را به خود اختصاص دهد. این انتخابات برای اولین بار به صورت کامل توسط نهادهای انتخاباتی به نام کمیسیون ملی انتخابات در خصوص مدیریت و تطبیق فرایند انتخابات و کمیسیون ثبت احزاب سیاسی و مدیریت فعالیت‌های احزاب سیاسی برگزار شد (Madior Fall, Hounkpe and others, 2010: 209).

تأسیس کمیسیون ملی انتخابات و کمیسیون ثبت احزاب سیاسی به عنوان بخشی از مدیریت نهادی در شرایط پسمانزعه سیرالئون محسوب می‌گردد. این نهادها در بدو تأسیس، نقش مهمی در فرایند دموکراتیزاسیون این کشور داشته است. علی‌رغم این که این دو کمیسیون نتایج مؤثری را به همراه داشته است، اما هم‌چنان قانون اساسی ۱۹۹۱ در موارد ذیل با ابهاماتی روبه‌رو بود:

۱. قدرت رئیس‌جمهور برای تعیین و عزل اعضای هر دو کمیسیون (بر اساس قانون اساسی سال ۱۹۹۱، رئیس‌جمهور باید در مشوره با احزاب سیاسی، اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی را تعیین و یا عزل نماید، اما هم‌چنان، نقش رئیس‌جمهور در تعیین مطلق است)؛

۲. قدرت کمیسیون ملی انتخابات در ایجاد مقررات قانونی برای مدیریت انتخابات.

سیستم انتخاباتی در سیرالئون قبل از سال ۱۹۹۶ به صورت اکثریت ساده بوده است اما از سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷ انتخابات عمومی مبتنی بر سیستم تناسبی برگزار گردید. منابع مالی کمیسیون‌های انتخاباتی در سیرالئون ۲۵٪ از منابع داخلی بوده و ۷۵٪ آن از حمایت‌های جامعه جهانی صورت گرفته است (Jinadu: 226).

۴. درس‌هایی برای افغانستان

در یک ارزیابی واقع‌بینانه‌تر و کمتر ایدئولوژیک می‌توان گفت که انتخابات یک ضرورت است و این مکانیزم به صورت بالقوه در کشورهای پسمانزعه در دموکراتیزه کردن سیاست، هم می‌تواند سودمند و هم مضر باشد. موفقیت در چنین انتخاباتی بیشتر وابسته به یک بررسی دقیق و زمانمند است. بر اساس تجربه‌ی که در کشورهای پسمانزعه دیگر به دست آمده است، درس‌های ذیل را می‌توان آموخت:

- در کشورهای پسمانزعه انتخابات یکی از عناصر و پل‌های مهم برای ایجاد ثبات است.
- سیستم انتخاباتی تناسبی با توجه به این که همه گروه‌های قومی در آن پیروز می‌گردند، احتمالاً بیشتر مناسب خواهد و به صورت اداری بیشتر قناعت‌بخش بوده و هزینه‌های سیاسی را بیشتر کاهش می‌دهد.

برگزاری انتخابات در شرایط اضطراری اغلب نیازمند کمیسیون‌های متعدد، انتخابات شکایات، ثبت نام رأی‌دهندگان و حمایت جامعه جهانی است. کمیسیون‌های مستقل انتخاباتی به طور آشکار

مدل‌های مبتنی بر احزاب را در تقویت دموکراسی در این کشورها ترجیح می‌دهند. این سیستم اغلب انتخابات را از حالت محلی به ملی تبدیل می‌کند (Reilly:32). در مورد تعیین اعضای کمیسیون انتخابات لازم است تا شفافیت بیشتری وجود داشته باشد. یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود در کمیسیون‌های انتخاباتی در دیگر کشورهای پسامنازعه، شیوه و مکانیزم انتخاب آنهاست که اغلب از سوی رئیس‌جمهور تعیین می‌گردد و این موضوع از سوی احزاب و گروه‌های مهم سیاسی مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

مدیریت انتظارات: چشم‌انداز انتخابات بعد از پایان منازعه خشونت‌آمیز، اغلب با انتظارات روبه‌رشد مردم در مورد وضعیت زندگی‌شان همراه است. در صورتی که به این انتظارات رسیدگی نشود، به صورت غیرقابل‌انکار سرخوردگی زمینه اعتراضات را نسبت به سیستم سیاسی تازه تأسیس به وجود می‌آورد. در این راستا بازیگران داخلی و بین‌المللی باید ارزیابی‌های واقع‌بینانه از شرایط دشوار انتقال انجام دهند. بر اساس تجارب گذشته نباید در شعارهای مطرح شده از سوی کاندیداها اغراق صورت پذیرد و از سوی دیگر نباید در مورد مدیریت انتظارات مردم غفلت صورت پذیرد (Gienanth, Tobias Pietz and others, 2009: 10).

امنیت و نقش قانون: نهادهای امنیتی و سیستم حقوقی کشور باید امیدوار و قادر به حفظ صلح بوده و بتوانند امنیت برابر برای همه احزاب و کاندیدان و بدون در نظر داشت استثنا در مورد گروه‌های خاص، از گزینه صفر تحمل در مورد مسائل مرتبط به انتخابات استفاده شود (Ibid). در صورت نبود اطمینان لازم است، از جامعه جهانی درخواست کمک صورت پذیرد، جامعه جهانی به خصوص سازمان ملل متحد، بر اساس قطع‌نامه ۵۲/۱۲۹ از فرایند انتخابات حمایت می‌کند.

- نقش جامعه بین‌المللی: بازیگران بین‌المللی می‌توانند از طریق مسیرهای مشخص در انتخابات در کشورهای پسامنازعه نقش ایفا نمایند. بازیگران بین‌المللی می‌توانند از طریق تضمین وضعیت امنیتی، فراهم سازی اطلاعات و مشوره‌های فنی و اداری، حمایت از ظرفیت‌سازی محلی، اعمال فشار سیاسی به گروه‌های مختل‌کننده احتمالی انتخابات، کمک به میانجی‌گری، مدیریت منابع و حتی مدیریت مستقل انتخابات نقش ایفا نمایند. این بسیار مهم است که همه بازیگران داخلی به نقش و تقسیم کار بازیگران بین‌المللی احترام بگذارند.

عناصر ساختار مدیریت انتخابات: در حالی که تنظیم روش‌های مختلف حقوقی امکان‌پذیر است، پارامترهای بدنه مدیریت انتخابات نیازمند دو موضوع، اول چارچوب شفاف و دوم منابع کافی است. این نهاد باید از میزان قابل توجهی از استقلال بهره‌برد. هم‌چنین تمام بازیگران باید درک کنند که مدیریت انتخابات در شرایط پس از جنگ، فراتر از جنبه‌های فنی اداری می‌باشد و در برخی اوقات به فرایند زدوبند کلان‌تر آشتی سیاسی سعود می‌کند (Ibid).

منابع و مأخذ:

- تاسیتا تیناکون، "نوسازی و بازسازی در سریلانکای پسا منازعه"، بخشی از کتاب **به سوی همکاری موثر در جنوب آسیا**، ترجمه سید مهدی منادی، کابل: مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه، ۲۰۱۴.
- حسن عمید، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۵.
- علی آقا بخشی، مینو افشاری راد، **فرهنگ علوم سیاسی**، ۱۳۸۳، ویرایش ششم، تهران: نشر چاپار.
- Adele Jinadu, Sierra Leone, Election Management Bodies in West Africa: A comparative study of the contribution of electoral commissions to the strengthening of democracy, Open Society Foundations. 2011 ,
- A report of Research Department for Representative Democracy & Electoral Reforms in Sri Lanka. 2013
- Benjamin Reilly, Post-Conflict Elections :Uncertain Turning Points of Transition part of book War-to-Democracy Transitions :Dilemmas of Democratization and Peacebuilding in War-Torn Societies ,by , Anna Jarstad & Timothy D .Sisk ,Australian National University.2010 .
- Carol Lancaster” ,We Fall Down and Get Up “State Failure ,Democracy and Development in Sierra Leone ,CENTER FOR GLOBAL DEVELOPMENT.2007 ,
- CHRISTOPHER E .MILLER ,A GLOSSARY OF TERMS AND CONCEPTS IN PEACE AND CONFLICT STUDIES ,University for Peace.2005 ,
- COMMONWEALTH SECRETARIAT ,Report of the Commonwealth Expert Team ,SRI LANKA PRESIDENTIAL ELECTION 26. January.2010
- East African community Secretariat ,EAC principles For Election Observation ,Monitoring and Evaluation ,February.2011
- Enhancing the effectiveness of the principle of periodic and genuine elections ,“Report of the Secretary -General ,UN doc .A 19 ,56/344/October ,2001 Annex II ,Department of Political Affairs of the United Nations Secretariat and the United Nations Development Programme :note of guidance on electoral assistance ,para .3 .Annex I provides a summary of electoral assistance activities between 1 October 1999 and 31 July.2001
- Ismaila Madior Fall ,Mathias Hounkpe and others ,SIERRA LEONE Election Management Bodies in West Africa ,A review by AfriMAP and the Open Society Initiative for West Africa.2010 ,
- WINRICH KÜHNE ,The Role of Elections in Emerging Democracies and Post-Conflict Countries, Key Issues ,Lessons Learned and Dilemmas ,INTERNATIONAL POLICY ANALYSIS ,Friedrich Ebert stiftung.2010,
- Janvier D .Nkurunziza ,CIVIL WAR AND POST-CONFLICT RECONSTRUCTION IN AFRICA, United Nations Conference on Trade and Development) UNCTAD (Geneva ,Switzerland 28 ,July.2008
- Lakhdar Brahimi ,STATE BUILDING IN CRISIS AND POST-CONFLICT COUNTRIES7 ,h Global Forum on Reinventing Government Building Trust in Government ,26-29 Vienna ,Austria.2007 ,
- Guy s .Goodwin ,free and fair Election ,oxford ,Inter-Parliamentary Union First edition ,1994 Second Edition 2006 ,First edition.1994
- Garber ,Larry and Kumar ,Krishna" What Have We Learned About Postconflict Elections " ,?New England Journal of PublicPolicy :Vol :14 .Iss ,1 .Article.1998 ,3
- Kenneth Katzman ,Iraq :Elections ,Government ,and Constitution ,CRS Report for Congress.2005 ,
- Kenneth Katzman ,Iraq :Politics ,Elections ,and Benchmarks,USA ,Congressional Research Service, Report for Congress.2010 ,
- J.C Weliamuna ,ELECTORAL INTEGRITY A REVIEW OF THE ABUSE OF STATE RESOURCES AND SELECTED INTEGRITY ISSUES DURING 2010 ELECTIONS IN SRI LANKA.2010 ,
- Sierra Leone Population below poverty line – Economy ."Indexmundi.com 9 .January .2012 Retrieved 20May.2012

-Strengthening the role of the United Nations in enhancing the effectiveness of the principle of periodic and genuine elections and the promotion of democratization ,Report of the Secretary-General ,‘UN doc. 4 ,58/212August.2003

-Tobias von Gienanth ,Tobias Pietz and others ,Elections in Post-Conflict Countries –Lessons Learned from Liberia ,Sierra Leone ,DR Congo ,and Kosovo ,Center for International Peace Operations) ZIF ,(And Kofi Annan International Peacekeeping Training Centre) KAIPTC.2009(

-National democratic institute for international affairs ,Report of the Post-Election Assessment of Sri Lanka Mission ,November – 28 December.2000 ,2